

کابوس های شبانه مادر از قاتل دخترانش

معمّا

داستان دروغ

امیدآزمین

جسدی وسط یک پارک افتاده بود. مقتول یک پسر ۱۹ ساله به نام میثاق بود. بازپرس پژوهش از ماموران کلانتری شنید عاملان قتل چهار پسر و لگرو در دزد بوده اند و انگیزه شان سرقت گردنبند طلا و تلفن همراه میثاق بوده است. دو دوست میثاق شاهد قتل بودند. امین در حالی که با بازپرس تنهاشده بود، گفت: فقط کمک می خوردم. آن ها پنج نفر بودند من و حجت بچه یک محل هستیم و دو یک مهمانی با میثاق آشنا شدیم، پسر خوب و ولخرجی بود. هر روز با میثاق به گردش می رفتیم. امروز تلفنی گفت در پارک منتظر ماست. وقتی به این جارسیدیم که پاتوق اصلی ما بود، دیدم پنج نفر او را دوره کرده اند، یکی از آن ها که معلوم بود قوی تر از بقیه است با دست چندیسیلی به میثاق زد ما با داد و فریاد جلو دویدیم. آن پنج نفر سریع حال ما را جا آوردند. یکی از آن ها رفت تا مراقب باشد کسی این طرف نیاید، دو تای آن ها من و حجت را حسابی ادب کردند و در گوشه ای نگه داشتند و دو تا از آن ها به کمک زدن میثاق مشغول شدند. فقط پسری به نام رستم چاقو داشت که آن را زیر گلولی میثاق گذاشت، میثاق مقاومت کرد و رستم با نامردی چند ضربه به شکم او زد، بعد زنجیر طلا و موبایل او را برداشت و همه فرار کردند. میثاق اصلا نمی توانست دفاع کند. یکی از قاتلان از پشت سر به او چسبیده و محکم دستانش را گرفته بود. حتی دیدم چند کله هم به پشت سرش زدن تا او را متعاقب به گوش کردن حرف رستم کند. در روز از این قتل گذشته بود، بازپرس در حال ورق زدن پرونده باریک قتل میثاق بود. ماموران تشخیص هویت هم در بررسی جسد اعلام کرده بودند او با اصابت پنج ضربه چاقو که سه ضربه به شکم و دو ضربه به پشت کمر وارد آمده به دلیل خون ریزی شدید به قتل رسیده است. آن روز باید از حجت بازجویی می کرد. این پسر گفت: اگر چاقو در دست نداشتند، حریف ما نمی شدند. کسی که من را به زمین چسبانده بود قمه ای داشت که من تا حالا هیچ جایی ندیده ام. من و امین نیم پیشتر با هم فاصله نداشتیم هر دو ترسیده بودیم. در زمان قتل من از ترس چشمانم را بسته بودم. دیدم رستم چاقو را زیر گلولی میثاق گذاشته بود اما بقیه را ندیدم چون چشمانم را بسته بودم. دو مادر ماجرای قتل میثاق گذشته بود و هیچ اثری از قاتلان به دست نیاورد بود تا این که بازپرس پرونده را مرور کرد و به سرخ های عجیبی برخورد. حجت ساعتی بعد در دفتر بازپرس حاضر شد. انگار می دانست راز شان را نورفته است و وقتی شنید باید بگوید چرا قتل را انجام داده اند گفت: امین پسر خیلی حسودی است و یک خواهر جوان دارد او برای این که بتواند میثاق را سر کیسه کند، خواهرش را سر راه او گذاشت تا آن جا با هم آشنا شوند اما میثاق و زن هر ا به هم علاقه مند شده بودند، امین این را نمی خواست او چون می دانست من از دست مادر پیش به زهر علاقه مند من را سریع اغفال کرد. قرار شد میثاق را ادا کنیم به همین دلیل او را به پارک کشاندم. روز قتل میثاق مثل همیشه ما را به غذا دعوت کرد، خیلی خوشحال بود. یک گردنبند طلا که روی آن حرف انگلیسی دیده می شد به من فهماند که امین بی راه نمی گوید، همان جابه امین گفتم که حاضر تا آخر با او باشم. در صحنه قتل امین به میثاق گفت که بایدن گردنبند او به یاد می معرفتی اش افتاده است و ماجرای زهر را به میان کشید، میثاق خواست چیزهایی بگوید که امین با چاقو به جانش افتاد. با این افشاگری ها خیلی زود امین هم بازداشت شد و با شنیدن دو دلیل چاره ای جز اقرار ننید.

پاسخ معمّا

دلیل اول: پنج ضربه چاقو به بدن مقتول اصابت کرده بود؛ سه ضربه به شکم و دو ضربه به پشت کمر که نشان می داد قاتل یا قاتلان از پشت و جلو به مقتول حمله کرده اند در حالی که دو شاهد ادعا می کردند پسری از پشت مقتول را چسبیده بود و قاتل از رو به رو به میثاق حمله می کرد و ضربه می زد که این با صحنه قتل درست از آب در نمی آمد.

دلیل دوم: امین ادعا کرد آن پنج مهاجم فقط یک چاقو داشتند که قاتل با همان چاقو میثاق را ادا کند حمله قرار داد اما دوست اش گفت، قمه ای در دست یکی از مهاجمان بود که جایی دیده نمی شد. از سوی دیگر دو سوبه بودن ضربات چاقو از جلو و عقب نشان می دهد که قاتلان بیش از یک چاقو داشته اند، پس امین دروغ می گفت.

مادر هنوز از شوهر سابق اش می ترسد او کابوس دارد و اصرار می کند قاتل دختران و پدر و مادرش قصاص شود. ساعت یک بامداد ۲۴ مهر گذشته را جنایتی در شرق تهران فاش شد که در آن مرد ۴۷ ساله ای به نام منصور دست به قتل عام فجیعی زده بود.

منصور دو دختر جوانش و همچنین پدر و مادر زنش را به طرز هولناکی به قتل رسانده و بعد دست به خودکشی زده بود که زنده ماند. قتلگاه در خیابان نصر سوم اتوبان شهید محلاتی رخ داده بود. اجساد پدر زن ۷۹ ساله و مادر زن ۷۰ ساله در سالن پذیرایی غرق خون و اجساد سناز ۱۷ ساله و سولماز ۱۹ ساله در اتاق خواب روی تخت خوابشان افتاده بود. منصور در زمانی که همه اعضای خانواده اش البته در غیاب همسر مطلقه اش خواب بودند با چاقو به بریدن گلولی دختران و پدر و مادر زنش اقدام کرده است.

اعتراف

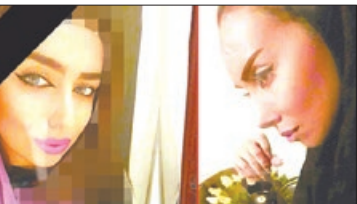
منصور گفت: من و همسر بعد از طلاق، مقاومت کرد و رستم با نامردی چند ضربه به شکم او زد، بعد زنجیر طلا و موبایل او را برداشت و همه فرار کردند. میثاق اصلا نمی توانست دفاع کند. یکی از قاتلان از پشت سر به او چسبیده و محکم دستانش را گرفته بود. حتی دیدم چند کله هم به پشت سرش زدن تا او را متعاقب به گوش کردن حرف رستم کند. در روز از این قتل گذشته بود، بازپرس در حال ورق زدن پرونده باریک قتل میثاق بود. ماموران تشخیص هویت هم در بررسی جسد اعلام کرده بودند او با اصابت پنج ضربه چاقو که سه ضربه به شکم و دو ضربه به پشت کمر وارد آمده به دلیل خون ریزی شدید به قتل رسیده است. آن روز باید از حجت بازجویی می کرد. این پسر گفت: اگر چاقو در دست نداشتند، حریف ما نمی شدند. کسی که من را به زمین چسبانده بود قمه ای داشت که من تا حالا هیچ جایی ندیده ام. من و امین نیم پیشتر با هم فاصله نداشتیم هر دو ترسیده بودیم. در زمان قتل من از ترس چشمانم را بسته بودم. دیدم رستم چاقو را زیر گلولی میثاق گذاشته بود اما بقیه را ندیدم چون چشمانم را بسته بودم. دو مادر ماجرای قتل میثاق گذشته بود و هیچ اثری از قاتلان به دست نیاورد بود تا این که بازپرس پرونده را مرور کرد و به سرخ های عجیبی برخورد. حجت ساعتی بعد در دفتر بازپرس حاضر شد. انگار می دانست راز شان را نورفته است و وقتی شنید باید بگوید چرا قتل را انجام داده اند گفت:

تحلیل کارشناس

خشم فروخورده عامل قتل خانوادگی

دکتر جعفر پای آسیب شناس اجتماعی

ارتکاب به قتل آن هم از جنس خانوادگی اقدامی خشن و تلخ است که به هر حال هر فردی توان انجام آن را ندارد و به همین سادگی هر فردی مرتکب این عمل غیر انسانی نمی شود. افرادی که اقدام به کشتن اعضای خانواده خود آن هم به صورت دسته جمعی می کنند قطعاً کمبودهای شخصیتی دارند و با قرار گرفتن در ناملایمات و سختی ها، چون توان



ناگفته های مادر خانواده

هنوز شو که است دلنگد دختران، مادر و پدرش است:

چطور متوجه قتل عام خانواده ات شدی؟

روز حادثه به پدر، مادر و دخترانم زنگ زد اما کسی جواب نداد و با گذشت زمان نگران شدم. همان روز به خانه شوهرم رفتم کلید می کرد تا این که قهر کرد. شب قتل به بهانه ساختمان را داشتم، وارد حیاط خانه شدم، خود روی منصور نبود، خودم را پشت در خانه رساندم، صدایی به گوش نمی رسید و خواستم به خانه مان بیایند تا دخترانم تنها نباشند. همان شب ابتدا با شیرموز آن ها را بی هوش کردم سپس با چاقو یکی را پس از دیگری کشتم. این مرد روز سه شنبه در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد که همسر سابق منصور برای قتل دو دختر و مادرش در خواست دیه کرد اما برای قتل پدرش خواستار قصاص منصور شد. سپس منصور در جایگاه دفاع قرار گرفت و در

به پلیس زنگ زد؟

بله، چون منصور قصد داشت مرا به هر طریق که شده به خانه بازگرداند و احتمال دادم او با بودن اعضای خانواده ام سعی دارد مرا به خانه بکشاند.

در کلانتری چه شد؟

نگاه ها روی من سنگینی می کرد و بعضی از ماموران همدیگر را نگاه می کردند و به آرامی می گفتند این زن مادر بچه هاست.



چطور متوجه ماجرا شدی؟

برادرم مرا به حیاط کلانتری کشاند و بعد از کلی سکوت و داستان سرایی ماجرای قتل فرزندانم به دست پدرشان را گفت در باره سر نوشت پدر و مادر ادعا کرد که آن ها در بیمارستان هستند اما با گذشت زمان همه ماجرا را شنیدم.

با منصور ازدواج سنتی داشتی یا همدیگر را می شناختید؟

۱۷ ساله بودم که همراه منصور در یک مطب کار می کردم. من به عنوان منشی آن جا مشغول کار بودم و خیلی زود منصور به خواستگاری ام آمد و با هم ازدواج کردیم.

با منصور اختلاف داشتی؟

منصور دست بزن داشت اما همیشه سکوت کردم و حتی بعد از تولد فرزندانم نیز این اختلافات بیشتر شد و منصور از من بیشتر فاصله می گرفت.

چند سال قبل از همسرت طلاق گرفتی؟

سال ۹۲ از منصور جدا شدم.

چرا سناز و سولماز را پدرشان بودند؟

منصور ادعا کرد که خوب نیست دخترانم و



من در یک خانه تنها ز زندگی کنیم به همین دلیل فرزندانم را از من گرفت و به خانه خودش برد.

چطور باز با آن ها زندگی کردی؟

منصور تهدید کرد اگر به خانه اش بازنگردم دیگر اجازه نمی دهد فرزندانم را ببینم و دخترانم را به خارج از کشور می برد و دیگر دستم به آن ها نمی رسد به همین دلیل مجبور شدم به خانه منصور بازگردم.

دوباره به عقدش در آمدی؟

قرار بود با هم عقد کنیم اما منصور هر روز بهانه ای می آورد و نتوانستیم در این چهار سال عقد کنیم.

تغییر در زندگی ات رخ داد؟

نه، منصور همچنان دست بزن داشت و همیشه با هم درگیر می شدیم و من به خاطر فرزندانم مجبور به ادامه زندگی بودم.

منصور ادعا کرده با او خیانت کردی؟

نه، دروغ است. خودش خیانتکار بود.

خیانت؟!

قبل از جدایی، منصور خیانت هایش را کتمان می کرد اما بعد از طلاق و زندگی مجدد بدون هیچ ترسی وقتی می فهمیدم با

زنان دیگر در رابطه است هیچ حرفی نمی زد و به کارهایش ادامه می داد.

تا قبل از دادگاه از منصور خبر داشتی؟

چند روز بعد از این که به زندان رفت، در خانه بودم که تلفن خانه ام به صدا درآمد. وقتی گوشی را برداشتم منصور از پشت خط که در زندان بود گفت، دخترانت از تو متنفر بودند و نمی خواستند با تو زندگی کنند.

حرفش درست بود؟

من و دخترانم به همدیگر وابسته بودیم و حرف هایی که منصور می زد، دروغ بود.

شنیدم چند بار دست به خودکشی زدی؟

روزهای اول از نظر روحی و روانی به هم ریخته بودم و تحمل این همه غم را نداشتم.

الان شرایطات چطور است؟

تحت نظر پزشک هستم و توانستم کمی آرام شوم.

شنیدم ادامه تحصیل دادی؟

بله، به یاد دخترتم که دانشجوی حقوق بود شروع به تحصیل کردم و به تازگی در دانشگاه و در رشته حقوق قبول شده ام.

تصمیم به بخشش نداری؟

باور نمی کنید، آن قدر از منصور می ترسم که برخی مواقع فکر می کنم از زندان فرار کرده و می خواهد به سراغم بیاید تا حکم اجرا شود به آرامش نمی رسم.

منصور را در دادگاه دیدی؟

بله، حال خوبی نداشتم و فقط یک لحظه دیدمش و دیگر نگاشتم نکردم.

خانواده اش با تو حرف زدند؟

تنها یکی از برادرانش را در دادگاه دیدم که به هم سلام کردیم و دیگر هیچ حرفی نزدند.

بنا به این گزارش، قضات پس از پایان جلسه، برای صدور حکم نهایی وارد شور شدند و به زودی حکم این مرد اعلام خواهد شد.

شوند که با کاهش روابط بین فردی، تک محوری آن ها را به سوی جرم هدایت می کند. کاهش از تباطات عاطفی بین اعضای خانواده و روابط سرد و بی روح سبب می شود شخصیت افراد خشن شکل بگیرد و به راحتی برای رسیدن به آرزایش بعد از عصبانیت مرتکب قتل اعضای خانواده خود شوند و چون این افراد کارکرد تربیتی شان ضعیف است به راحتی با قتل دست به انتقام جویی های بی اساس می زنند. متأسفانه واژه مقدس خانواده رنگ باخته و رنگ شدن معنویات سبب شده و جوه مشترک بین اعضای خانواده وجود نداشته باشد و ضعیف شدن پیوندهای عاطفی ممکن است هر اتفاقی را در نظام خانواده رقم بزند.

در نظام تربیتی برخی خانواده ها یک نوع رهاشگی و سرگردانی وجود دارد که سبب می شود افراد نتوانند احساسات خود را مدیریت کنند به این دلیل که خانواده آن ها در نوع تعلیم و تربیت شان قصور کرده اند و به آن ها بهاداده نشده است زیرا از پایه ساختار خانوادگی این افراد مشکل داشته است. این افراد در مدیریت خشم، شادی، غم و... بسیار ضعیف عمل می کنند و آستانه تحمل شان پایین است به همین علت است که نتنجیده و با کوچک ترین خشم و عصبانیت دست به قتل خانوادگی می زنند. وقتی در خانواده ها در مقابله وجود نداشته باشد و گفتمان خانوادگی کم رنگ شود، افراد دچار خلأ های عاطفی می

حل مشکلات و معضلات خود را ندارند، ممکن است در عصبانیت های آنی مرتکب این عمل هولناک شوند. در قتل های خانوادگی، افرادی که خشن هستند در یک لحظه بر اساس خشم کنترل نشده و احساساتی که توان مدیریت اش را ندارند، دچار پر خاش می شوند و دست به قتل می زنند و در اعترافات به این مسئله اشاره می کنند که قصد کشتن نداشتند اما برخی افراد که ضعف شخصیتی دارند، ممکن است برای کشتن اعضای خانواده شان از قبل مسائلی را طراحی کنند و با برنامه ریزی مرتکب چنین رفتار غیر اخلاقی شوند. خشم های فروخورده، کینه، عقده و حقارت، بخشی از مشکلات این افراد است که خود را قاتل معرفی می کنند.

دفاعیات عجیب یک قاتل در صحن دادگاه جنایی

بلافاصله بعد از قتل و با کمک پدر و برادرش به افغانستان قرار کرد و پلیس هیچ ردی از او به دست نیاورده است. وی در باره اعترافات اولیه در پلیس آگاهی گفت: من تحت فشار به قتل اعتراف کرده بودم اما حالا می گویم، بی گناهم. قاضی گفت: شاهدان تو را به عنوان عامل جنایت معرفی کرده اند و همان شب هنگامی که قصد خرید شارژ موبایل از یک مغازه را داشتی بازداشت شدی. از طرفی نیز دو ربین های مدار بسته خیابان تصویر تو را ضبط کرده اند حالا چه دفاعی داری؟ امین پاسخ داد: من قتل را قبول ندارم و بی گناهم. احتمالاً دوربین ها به اشتباه تصویر مرا ضبط کرده اند.

بنابر این گزارش، با پایان دفاعیات این متهم، قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

به دنبال اعتراف های پسر جوان و بازسازی صحنه جرم، وی در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در دادگاه

در ابتدای جلسه، وکیلای دم برای امیر حکم قصاص خواستند. پدر دادگار در حالی که اشک می ریخت گفت: من هنوز نمی دانم چرا پسرم کشته شده است. این متهم پسرم را به خاطر ناسزاگویی کشته است و حالا باید قصاص شود. من از قصاص او گذشت نمی کنم. سپس امیر در جایگاه ویژه ایستاد و برخلاف اعترافات قبلی اش قتل را بر گردن گرفت. وی گفت: قبول دارم آن شب همراه عزیز بودم و با بهزاد درگیر شدم اما من او را با چاقو نزددم. عزیز در آن درگیری چاقو داشت و با چاقو به گردن بهزاد زد. به همین دلیل

ساله وی به نام عزیز بی نتیجه ماند و یک هفته بعد روشن شد عزیز به افغانستان گریخته است.

اعتراف به قتل

امیر تحت بازجویی قرار گرفت و به قتل اعتراف کرد. وی گفت: من و عزیز در حال عبور از خیابان بودیم که بهزاد را دیدیم. ما از قبل چند بار با او درگیر شده بودیم. بهزاد به محض این که ما را دید شروع به فحاشی کرد و همین موضوع باعث شد دعوا بالا بگیرد. بهزاد فحاشی می کرد و آرام نمی شد. من که از شنیدن بدنامی های بهزاد عصبانی شده بودم، با چاقویی که همراه داشتم یک ضربه به او زدم. وقتی خون از گردن بهزاد دزدشو که شدم و فرار کردم. من با بهزاد دوست بودم و قصد کشتن او نداشتم.

فرار یک پسر از خاک ایران به افغانستان کافی بود تا عامل جنایتی خونین قتل را به گردن او ببیند!!

جدال خونین

ششم مرداد سال ۹۶ وقوع درگیری خونین در خیابان دلاوران به پلیس مخابره شد. مأموران بلافاصله به محل درگیری رفتند و دریافتند درگیری سه پسر با جنایت پایان یافته و بهزاد ۲۰ ساله از ناحیه گردن زخمی شده است. بهزاد به بیمارستان منتقل شد اما ساعتی بعد به خاطر شدت خونریزی جان سپرد. ردیایی عامل این عمل غیر انسانی نمی پلیس دریکی از متهمان به نام امیر ۲۰ ساله رادر حالی که برای خرید شارژ موبایل به یک مغازه در همان حوالی رفته بود ردیابی و بازداشت کرد و لی تلاش برای ردیابی همدست ۱۷



آگهی تغییرات شرکت بوستان شکوه مهر موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۳۷۲۸ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۳۰۸۶۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۸ و نامه شماره ۹۲۰/۹۸/۹۲۴۱۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۲ مدیریت بهزیستی شهرستان مشهد تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - مواد ۱۷ و ۲۵ اساسنامه به شرح صورتجلسه اصلاح گردید. - اساسنامه جدید مشتمل بر ۳ ماده و ۲۵ تبصره تصویب شد و جایگزین اساسنامه سابق گردید. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۵۴۱۲۸)
۶/۹۸۱۱۵۶۲

آگهی تغییرات شرکت تولیدی آرد بهنام تربت حیدریه شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۲۳۳۶
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی پارسیان حسابرسی اقق به شماره ثبت ۳۶۷۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۵۷۵۹۱ بعنوان بازرس اصلی و آقای سید مجید موسوی به شماره ملی ۰۷۰۲۱۵۹۴۰۹ بعنوان بازرس علی البدل جهت سال مالی ۱۳۹۷ تعیین گردیدند. روزنامه خراسان جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تربت حیدریه (۶۵۴۰۸۹)
۶/۹۸۱۱۵۸۳

آگهی تغییرات شرکت مصرف کارکنان برق شرکت تعاونی به شماره ثبت ۳۹۲ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۵۲۳۲۵
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۳ و نامه شماره ۳۱۱۸۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۱۹ اداره تعاون کارورفاه اجتماعی مشهد تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- عملکرد مالی سال ۱۳۹۶ مورد تصویب قرار گرفت. ۲- آقایان محمدصادق صادقی ۰۹۳۰۶۳۱۵۸۳ و آقای سیدباقر موسوی ۰۹۳۸۵۸۶۷۱ به عنوان بازرسان اصلی و آقای محمدرضا شایهنگ ۰۷۰۲۳۵۴۴۳۰ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۵۴۱۰۳)
۶/۹۸۱۱۵۶۹

آگهی تغییرات شرکت نمایندگان بین المللی مشهد شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۸۴۹۹ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۴۲۶۴۰	آگهی تغییرات شرکت همکام طوس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۶۷۸ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۹۵۷۷۰
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اختیارات هیئت مدیره بشروح زیر به مدیرعامل تفویض گردید: ۱) تهیه و تنظیم هرگونه مقررات و دستورالعملهای لازم برای اداره امور شرکت و تسلیم آن به هیات مدیره جهت تصویب. ۲) تهیه و تنظیم برنامه بودجه و صورتهای مالی سالانه شرکت و تسلیم آن به هیات مدیره. ۳) تهیه و پیشنهاد طرح تشکیلاتی، آیین نامه های مالی و اداری و معاملات به هیات مدیره. ۴) اجرای برنامه ها، تصمیمات و مصوبات هیات مدیره. ۵) بررسی اخذ وام، سرمایه گذاری و مشارکت با بانکها، موسسات سرمایه گذاری، اشخاص حقوقی و حقیقی جهت ارائه به هیات مدیره. ۶) بررسی و پیشنهاد تجدید نظر در برنامه ها و طرحهای اجرایی شرکت به هیات مدیره. ۷) اجرای مفاد اساسنامه و اقدام در اداره امور شرکت و کوشش در جهت پیشبرد اهداف آن. ۸) اعمال مدیریت صحیح بر کلیه امور شرکت و حفاظت از اموال و داراییهای آن. ۹) انجام هرگونه معاملات و انعقاد هرگونه قرارداد در رابطه با موضوع عملیات شرکت طبق مفاد اساسنامه و با رعایت آیین نامه معاملات و سایر مقررات شرکت. ۱۰) اقامه، طرح، تعقیب و دفاع هرگونه دعوی در مراجع قضایی با حق توکیل غیر و لو کرآ. ۱۱) نمایندگی شرکت در برابر ادارات، سازمانها و موسسات دولتی، عمومی و خصوصی. ۱۲) امضاء کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور، قبول تعهد، ظهرنویسی، پرداخت و واخواست اوراق تجاری، تغییر و تبدیل و فسخ قراردادهای، اقاله و ابطال قراردادهای، رهن گذاشتن اموال منقول و غیرمنقول شرکت، تضمین دیون، اجرای اسناد لازم الاجرا به همراه و حسب ترتیبی که هیات مدیره تعیین می نماید. ۱۳) عزل و نصب کلیه کارکنان شرکت و تعیین شغل، حقوق، دستمزد، پاداش، ترفیع، تنبیه، مرخصی، بازنشستگی و... بر اساس آیین نامه های مربوط که به تأیید هیات مدیره رسیده باشد. ۱۴) افتتاح حساب نزد هر یک از موسسات مالی و اعتباری، بانکهای دولتی و خصوصی داخلی و انسداد حسابها نزد آنها هیات مدیره. تبصره: مدیرعامل می تواند قسمتی از اختیارات قابل تفویض خود را به مسئولیت خود به هر یک از اعضا هیات مدیره و شرکت واگذار نماید. بدینوسیله تمام اختیارات هیات مدیره مشروح در بند ۱۷ ماده ۳۲ اساسنامه شرکت به شرح زیر به مدیرعامل تفویض میشود: ۱- اعتراض به آرا، تجدیدنظر فرجام خواهی و اعاده دادرسی. ۲- ادعای جعل و انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند. ۳- تعیین جاعل. ۴- راجع دعوی به دایوی و تعیین داور و صلح و سازش. ۵- وکالت در توکیل. ۶- تعیین کارشناس. ۷- دعوی خسارت. ۸- استرداد دادخواست و دعوی. ۹- جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث. ۱۰- ورود شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث. ۱۱- دعوی تقابل و دفاع در قبال آن. ۱۲- ادعای اعسار و قبول و رد سوگند. ۱۳- درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات اجرایی و اخذ محکوم به و جوجه ایداعی. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۵۴۱۲۶)	به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۳۱ اداره امور فرهنگی کتاب و نشران برگزار ی دوره های آموزشی مهارتی کار و دانش زیر گروه کامپیوتر (با اخذ مجوز) در صورت لزوم از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذریبط، ثبت موضوع فعالیت مذکور، به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. مدت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان خراسان رضوی - شهرستان سبزوار - بخش مرکزی - شهر سبزوار - امیرمسعود شمالی- خیابان قاضی زاده- خیابان شهرمسعود- پلاک ۲- طبقه همکف- کدپستی ۹۶۱۳۶۴۴۴۳۰ سرمایه ۹۶۱۳۶۴۴۴۳۰ ۵۰۰۰۰۰ ریال می باشد. اسامی و میزان سهم الشرکه شرکا: آقای مهدی یوسفی به شماره ملی ۰۷۸۰۰۳۲۰۰۵ دارند. ۵۷۵۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه آقای حسن طالبی به شماره ملی ۰۷۹۱۵۱۱۸۷۱ دارند. ۵۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه آقای علی خسروچردی به شماره ملی ۰۷۹۴۹۷۲۸۴۱۲ دارند. ۴۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه آقای مهدی یوسفی به شماره ملی ۰۷۸۰۰۲۳۰۰۵ و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۵ سال آقای حسن طالبی به شماره ملی ۰۷۹۱۵۱۱۸۷۱ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۵ سال آقای علی خسروچردی به شماره ملی ۰۷۹۳۴۰۲۵۷۳ و به سمت مدیرعامل و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۵ سال دارندگان حق امضا: تمامی اوراق اسناد بهادار و قراردادهای تعهدآور وسایر مکاتبات موسسه با اعضای علی خسروچردی مدیر مسئول (مدیر عامل) و مظهر به مهر موسسه فرهنگی و هنری معتبر خواهد بود. اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری سبزوار (۶۵۴۱۲۱)
۶/۹۸۱۱۵۶۲	۶/۹۸۱۱۵۶۹